

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۳۶ \_ مطالبی پیرامون ازالال شیطان \_  
مطلب پنجم: چگونگی فریب دادن آدم و حوا  
تاریخ: ۲ دی ۱۳۹۹  
مصادف با: ۷ جمادی الاول ۱۴۴۲  
جلسه: ۲۹

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

**مطلب پنجم: چگونگی فریب دادن آدم و حوا**

مطلب پنجم از مطالب مربوط به ازالال شیطان، چگونگی اغوا و فریب دادن آدم و حوا توسط شیطان است. عرض کردیم به طور کلی شیطان برای فریب انسان از راه ها و طرق گوناگونی وارد می شود اما در خصوص آدم و حوا شیطان چه کرد؟ آیا آیاتی که مبین این داستان هستند، اشاره ای به این ماجرا کرده اند یا نه؟ ما قبلاً گفتیم در سه موضع از قرآن به داستان خلقت آدم و ماجراهای پس از آن پرداخته شده. یکی در سوره بقره، دیگری در سوره اعراف و سرانجام در سوره طها.

در سوره بقره یعنی همین آیاتی که مورد بحث ما است، نحوه اغوا و فریب آدم توسط شیطان بیان نشده است. آنچه اینجا ذکر شده، اصل خلقت آدم و بعد امر به سجده و مخالفت شیطان و سرانجام اینکه آدم با نهي خداوند مخالفت کرد و کار به هبوط او و حوا از بهشت کشید. اما در مورد اینکه شیطان چه کرد و چگونه او را به سوی مخالفت کشاند، چیزی بیان نشده است.

در سوره اعراف به مسئله وسوسه و نیرنگ و قسم دروغ شیطان اشاره شده که شیطان به این بهانه که آدم و حوا را به سوی خلود و جاودانگی راهنمایی می کند، او را وسوسه کرد و فریب داد و اغوا نمود. این در آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره اعراف بیان شده است.

در سوره طهاها هم شاید به نحو مبسوط تری این مسئله بیان شده و نحوه لغزاندن شیطان و اینکه از چه راهی وارد شد تا آدم و حوا گرفتار آن لغزش شوند، بیان شده است. البته ما درباره انگیزه شیطان سخن خواهیم گفت، اما اصل کیفیت و چگونگی اغوا و لغزاندن شیطان مهم است.

**راه های فریب انسان**

عرض کردیم شیطان از راه های مختلف وارد می شود تا انسان را فریب دهد.

**۱. اغفال**

مهمترین راه برای فریب دادن انسان، ایجاد غفلت در درجه اول است. من نمی خواهم الان به نحو کامل مراحل اغوای انسان توسط شیطان را بیان کنم و روش هایش را ذکر کنم چون بسیار زیاد است. اما عمدتاً آن دریچه و طریقی که نفوذ می کند به انسان و باعث گرفتاری و مشکل برای انسان می شود، ایجاد غفلت است. شاید مهمترین و مؤثرترین و کارا

ترین سلاح شیطان برای نفوذ به انسان، غفلت و نسیان است. یعنی او کاری می‌کند که انسان غافل شود از مبدأ اعلی، از خیر و نیکی و مشغول شود به امور دنیایی و هر چیزی که او را از خواست و هدف نیک باز دارد. غفلت چرا مهمترین سلاح شیطان است؟ انسانی که توجه به هدف، یا توجه به راه دارد، یا توجه به خیر و شر دارد و می‌داند چه چیزی خیر است و چه چیزی شر است، این موجب مراقبت می‌شود. کسی که دارد در مسیری حرکت می‌کند، اگر در حین حرکت متوجه باشد و مراقب باشد تا چاه و چاله را ببیند تا مبادا در آن بیافتد. این خودش کمک بزرگی است برای حفظ او. کسی که وارد مسیری می‌شود و به جای توجه به این چاه و چاله‌ها با اینکه می‌داند مسیر پر است از چنین دست انداز هایی، اما به حواشی طریق منحرف شود و غفلت کند، طبیعتاً احتمال لغزش و سقوط او چندین برابر و بلکه بسیار قریب به تحقق می‌شود. اولین کار شیطان این است که انسان را گرفتار فراموشی و غفلت کند.

## ۲. تزیین و تسویل

کار دوم، تزیین و تسویل است. اگر شیطان نتوانست انسان را از راه و هدفش غافل یا او را گرفتار فراموشی کند، به تزیین و تسویل روی می‌آورد. ما به مناسبتی در جای خودش به تفصیل درباره این دو واژه و تفاوت این‌ها سخن گفتیم. تزیین یعنی زینت دادن. اینکه چیزی را در نظر انسان زینت دهد. خداوند در قرآن میفرماید: «و زینَ الشَّيْطَانِ اَعْمَالِهِمْ»<sup>۱</sup> خداوند میفرماید شیطان اعمالشان را برای آن‌ها زینت داد. لذا در مورد کفار میفرماید «يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِنُونَ صِنْعًا»<sup>۲</sup> آن‌ها فکر میکردند که کار خوبی انجام می‌دهند.

یا تسویل می‌کند: «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ أَمَلِي لَهُمْ»<sup>۳</sup> خوبی‌ها را در نزد او زشت و زشت‌ها را در نزد او خوب جلوه می‌دهد. حتی ممکن است بین دو کار خوب در حالی که وظیفه انسان انجام یک کار از این دو کار است، دیگری را در نزد او زیباتر جلوه دهد. شیطان هیچگاه انسان را رها نمی‌کند. واقعا امکان ندارد مگر مخلصین که خودش گفته به حریم آن‌ها نمی‌تواند نزدیک شود. به انبیاء و اولیاء نمی‌تواند نزدیک شود. و الا در غیر آن از زاهدترین و عابدترین مجاهدترین انسان‌ها گرفته تا دیگران، هیچگاه انسان را رها نمی‌کند.

برای افراد مختلف تزیین و تسویل شیطان متفاوت است. ممکن است برای یک انسانی خمر و شرب خمر را تسویل کند، برای دیگری سرقت و دزدی را و برای دیگری زنا را تزیین کند. و یا خیر، اصلاً او را از خداوند غافل کند، گرفتار فراموشی کند او را و او قهراً به سوی این اعمال روی بیاورد. طبیعی است که با این سلاح به سراغ من و امثال من و یک مرجع تقلید و شخص موجه و متدین نمی‌رود. او می‌داند که شرب خمر را نمی‌تواند نزد او مزین کند. او می‌داند که نمی‌تواند نزد یک عالم بزرگوار بعضی از گناهان بین را تزیین کند. اما ممکن است بین دو کار خوب و حسن، آنچه را که

۱. سوره نمل، آیه ۲۴.

۲. سوره کهف، آیه ۱۰۴.

۳. سوره محمد، آیه ۲۵.

وظیفه است خوب، و آنچه را که وظیفه نیست خوب تر جلوه دهد. ممکن است برای بعضی از افراد عادی اشتغال به عمل مستحب را احسن از اشتغال به عمل واجب قرار دهد. طرف در روضه و هیئت شرکت می‌کند، در حالی که نمازش را نخوانده است. شیطان در نظر او انجام این مستحب را احسن از انجام واجب جلوه می‌دهد. لذا می‌گوید نمازم هم قضا شود، اما سینه زنی و گریه برای امام حسین افضل است؛ این خودش تسویل شیطان است. برای هرکسی از یک راهی وارد می‌شود. یعنی در حالی که انسان گمان می‌کند دارد بهترین کارها را انجام می‌دهد و بهترین اعمال را انجام می‌دهد و به زعم خودش «یحسنون صنعا»، یعنی به زعم خودش دارد رضایت خدا را تحصیل می‌کند اما در واقع با هدایت شیطان دارد این کارها را انجام می‌دهد. خیلی از کارهایی که ما در زندگی روزمره انجام می‌دهیم اینچنین است. خیلی باید مراقب بود، خیلی باید مواظب بود که چنین گرفتاری‌هایی برای ما پیش نیاید. شیطان فقط در کمین مردم کوچه و بازار که با مسجد و محراب سر و کار ندارند نیست. شیطان برای اغوا و فریب بسیاری از انسان‌ها چندان نیازمند توطئه و نقشه و در کمین نشستن نیست. اتفاقاً آن کسانی که در مسیر حرکت می‌کنند و به راه و مبدأ توجه دارند، بیشتر در معرض دام‌های شیطان هستند و باید بیشتر مراقبت کنند. واقعا امثال ما مراقبتمان نسبت به نفوذ شیطان باید بیش از مردم عادی باشد. فکر نکنید که ما از دام‌های شیطان مصونیم؛ شیطان برای به بند کشیدن خیلی از انسان‌ها ممکن است بدون حضور، بدون نقشه و بدون سلاح‌های پیچیده این کار را صرفاً با یک اشاره انجام دهد. اما آنجایی که به توطئه می‌نشیند و نقشه می‌کشد، معلوم است کار برایش سخت است و هر چه احساس کند کار برایش مشکل‌تر است، نقشه‌های پیچیده‌تر را طراحی می‌کند.

به هر حال در درجه اول ایجاد غفلت و نسیان نسبت به مبدأ اعلی و دستورات و اوامر و نواهی او و در درجه دوم تزیین و تسویل است. این‌ها دو تا از مهمترین کارهایی است که شیطان برای نفوذ به حریم دل انسان انجام می‌دهد. البته عرض می‌کنم منحصر در این دو نیست، بلکه مهمترین‌شان این دو است و کارهای زیادی را بر طبق آیات قرآنی انجام می‌دهد.

### **ابزار شیطان برای فریب**

شیطان برای رسیدن به این دو هدف در آرزوهای انسان خودش را وارد می‌کند. اینکه مثلاً شیطان کاری کند که گرفتار آرزوهایمان شویم، این گرفتار آرزوها شدن در خود قرآن هم به آن اشاره شده است. خداوند متعال در قرآن نقل می‌کند که شیطان می‌گوید: «وَلَا مَنِّيْهُمْ»، من آن‌ها را در آرزوهایشان غرق می‌کنم، آن‌ها را گرفتار آرزوها می‌کنم. به هر حال اگر کسی گرفتار آرزو شود، یعنی اندیشه و خیالش در تصرف شیطان قرار گرفته است. وقتی خیالات و آرزوهایی را شیطان در ذهن انسان ایجاد می‌کند؛ یعنی خیال و اندیشه او تحت تصرف شیطان قرار می‌گیرد و آنوقت که ذهن و روح انسان در تصرف شیطان قرار گرفت، این به صورت غفلت و نسیان خودش را نشان دهد چون بعضی از آرزوها انسان را از یاد خدا غافل می‌کند و بعضی از آرزوها باعث فراموشی انسان می‌شود. بعضی از آرزوها باعث می‌شود

که زشت ها در در ذهن انسان زیبا جلوه کند. یا زیباها در ذهن انسان زشت جلوه کند. این آرزو در واقع در رتبه قبل و به عنوان بستری برای ورود شیطان تاثیر می‌گذارد در ایجاد غفلت یا تزیین و تسویل شیطان. این بسیار مهم است که مهمترین راه و طریق برای آن دو سلاح، تصرف در ذهن و اندیشه آدمی است. در تفکر و انگیزه انسان تاثیر می‌گذارد. یا باعث غفلت می‌شود و یا باعث این می‌شود که چهره حقایق در نظر انسان تغییر کند.

پس این یک تصویر کلی است از ورود شیطان. کرارا گفته شد که شیطان وسوسه می‌کند. شیطان هیچکس را به زور به سمت کاری نمی‌برد، بلکه وسوسه می‌کند و اجبار نمی‌کند. لذا روز قیامت هم می‌گوید من را سرزنش نکنید و خودتان را سرزنش کنید، من فقط دعوت کردم. وسوسه در واقع یک ندای درونی است که انسان را به سمت خودش می‌کشد؛ یعنی تمایل و کشش در درون انسان. ما درباره وسوسه به مناسبت بحث مفصلی در جایی دیگر داشتیم که اصلا حقیقت وسوسه چیست.

کار شیطان وسوسه است؛ برای اینکه وسوسه کند، در درجه اول باید نفوذ کند به روح آدمی و در ذهن و اندیشه تصرف کند. تصرف در ذهن و اندیشه انسان موجب می‌شود یا غفلت برای انسان پیش بیاید و یا حقایق نزد او تغییر کند، واقعیت ها از واقعیت خودش در ذهن او مبدل شود عین زشت زیبا شود و زیبا زشت شود. این در حقیقت نقشه کلی شیطان برای فریب انسان است. وسوسه از راه تغییر و تصرف در ذهن و اندیشه؛ ذهن و اندیشه را با آرزو و خیال تغییر می‌دهد و انگیزه ها را دچار تغییر می‌کند و این آرزوها و خیالات ایجاد شده توسط شیطان باعث می‌شود که انسان غافل شود یا چهره امور و حقایق عالم یک چهره دیگری شود. این‌ها که اتفاق افتاد، دیگر صدور لغزش از انسان طبیعی، بدیهی و عادی می‌شود.

### **چگونگی فریب آدم و حوا**

با توجه به این مقدمه می‌خواهیم ببینیم آنچه در مورد آدم اتفاق افتاد کدام بود؟ آیا آدم گرفتار غفلت و نسیان شد یا شیطان تزیین و تسویل کرد؟ در اینکه آدم وسوسه شد بحثی نیست و در آیات قرآن هم دارد که آدم وسوسه شد. اول آدم گرفتار وسوسه شد. این وسوسه چگونه صورت گرفت؟ وسوسه از این طریق به نوعی یک تغییری در اندیشه و خیال آدم پدید آمد. بالاخره یک آرزویی را در ذهن او پدید آورد. آرزوی جاودانگی و خلد را در او پدید آورد منتهی برای برجسته کردن این آرزو و راه رسیدن به این آرزو، نمی‌توانست آدم را نسبت به دستور خداوند غافل و ناسی کند. آدم گرفتار غفلت و فراموشی نشد بلکه شیطان تزیین و تسویل کرد برای او و حقایق را تغییر داد.

آرزوی خلد و جاودانگی هم شاهدش این است: «و قال ما نهاکما ربکما عن هذه الشجرة الا ان تکونا ملکین و تکونا من الخالدين»<sup>۱</sup> می‌گوید چرا خدا شما را نهی کرد از این درخت؟ شما را نهی نکرد مگر اینکه فرشته شوید یا جاودانه شوید. این نشان می‌دهد که مسئله غفلت از دستور در کار نبوده. نهی خدا در ذهن آدم بود و او از نهی خدا غافل نشد چون دارد

۱. سوره طاه، آیه ۱۱۵.

یادآوری می‌کند و به صراحت می‌گوید: «ما نهاکما ربکما عن هذه الشجرة»، نمی‌گوید که خدا اصلا تو را منع و نهی نکرد. این نشان می‌دهد که مسئله غفلت و نسیان در کار نیست. چون غفلت و نسیان اینجا به این صورت است که انسان فراموش کند که خدا او را منع کرده است، این قبل از صدور لغزش از آدم است، دارد وسوسه می‌کند. پس نه غفلت است و نه نسیان چون به صراحت شیطان سخن از نهی خدا به میان می‌آورد منتهی می‌گوید برای چه خدا شما را منع کرد؟ او منع نکرد مگر برای این جهت. آن کاری که زشت بود در ذهن آدم زینت داده شد و خوب جلوه داده شد. یعنی این کار نزد او برای بقای در مقام قرب الهی و برای حضور در آن بهشت و برای جاودانه شدن جلوه داده شد. این شد تزیین و تسویل. پس وسوسه کرد، آرزوها را در ذهن او برجسته کرد، اما جنس آرزوها فرق می‌کند. یک شخصی آرزویش یک چیز سطح پایین و مادی است، یک کسی هم آرزویش چیزی است که نباید آن را آرزو می‌کرد ولو اینکه انگیزه او برای رسیدن به این آرزو خود خداوند باشد.

در آنجا انگیزه آدم از نزدیک شدن به این درخت بهره مندی و تمتع مادی نبود. خوردنش از آن درخت برای این نبود که غرق لذت شود و غافل از یاد خدا شود. مستی و از خود بی خود شدن نبود، بلکه او گمان می‌کرد که با خوردن از این درخت می‌تواند در جوار قرب خداوند همواره بماند و این خودش برای او یک لذتی مهم بود.

پس این را هم شیطان رعایت کرد، یعنی از یک انگیزه مثبت و نیکو، از یک آرزوی مثبت و نیکو سوء استفاده کرد و کاری را که خود محبوب و مراد و معبود ترکش را خواسته بود، وادار به انجام آن کرد. پس شیطان از راه تزیین و تسویل اینجا وارد شد نه از راه غفلت و نسیان و اینکه او را گرفتار فراموشی کند. چون در ادامه گفت: «هل أدلک علی شجرة الخلد»، می‌خواهی من تو را به درخت جاودانگی راهنمایی کنم؟ یعنی ظاهر این سخن کمال خیر خواهی است. دید آدم دلش می‌خواهد در جوار قرب خدا دائمی باشد، گفت من تو را به این هدف می‌رسانم، مگر تو نمی‌خواهی در کنار خدا بمانی و همیشه در بهترین حالات در کنار معبود باشی؟ این که یک چیز بدی نیست. این را زینت داد برایش. آنچه را که ممنوع و زشت بود زیبا جلوه داد و گفت این باعث می‌شود که تو به آن چیزی که دوست داری برسی و چیز خوبی هم هست برسی. هدف عالی، راه نادرست. راهی بود که نباید از آن طی طریق میکرد، اما شیطان این راه ناهموار به سوی ناکجا آباد را یک راه صحیح و درست و مستقیم به سوی هدف برای او جلوه داد. این کاری است که شیطان با آدم کرد و باعث شد انسان هبوط و سقوط کند. جالب این است که برای این مسئله قسم هم می‌خورد: «و قاسمهما إنی لکما لمن الناصحین»، من از روی خیر خواهی دارم می‌گویم و الا چیزی به من نمی‌رسد از اینکه تو اینجا بمانی یا نمایی و از این درخت بخوری یا نخوری.

این مهمترین کاری است که شیطان انجام می‌دهد و آنوقت معلوم می‌شود که چقدر اینجا پیچیدگی وجود دارد و چقدر مراقبت و دقت می‌خواهد که آدم ابوالبشر و در آن موقعیت، لحظه ای فقط و آنهم نه برای اهداف و آرزوهای نادرست اینطور گرفتار شد، وای به حال ما.

«والحمد لله رب العالمين»